پاسخ به چند شبهه پیرامون شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها

۱. چرا حضرت علی (ع) در آن صحنه هیچ واکنشی از خود نشان نداد ؟

اولا: امام علي (ع) در قدم نخست از خود واكنش نشان داد ؛ چنانچه آلوسي مفسر مشهور اهل سنت در اين باره مي‌نويسد : «عمر با غلاف شمشير به پهلوي مبارک فاطمه و با تازيانه به بازوي حضرت زد . فاطمه ، صدا زد : « يا ابتاه » علي (ع) ناگهان از جا برخاست وگريبان عمر را گرفت و بر زمين زد و بر بيني و گردنش كوبيد » .تفسير آلوسي :۱۲٤/۳ .

ثانياً: برفرض اين كه واكنشي نشان نداده است ، به همان دليلي بوده كه پيامبر اسلام (ص) در مكه مكرمه ، در قبال، شكنجه صحابه و حتي قتل سميه مادر عمار ياسر واكنش نشان نداد.

ثالثاً :وقتي ياران رسول خدا به خانه عثمان ريختند و متعرض همسر او شده و حتي دست او را با شمشير قطع كردند ، عثمان هيچ واكنشي از خود نشان نداد.

۲ . چرا بعد از شهادت همسر خود فاطمۀ الزهراءِ علیها السلام ، انتقام او را نگرفت یا به فکر انتقام نبود ؟

اولاً : به همان دليلي كه پيامبر اسلام (ص) از كساني كه قصد ترور آن حضرت را داشتند انتقام نگرفت. ابن حزم در المحلي مي‌نويسد: « ابوبكر ، عمر ، عثمان ، طلحه ، سعد بن أبي وقاص (رض) مي‌خواستند رسول خدا (ص) را از گردنه‌اي در تبوك به پايين پرتاب كنند و به قتل برسانند. المحلى:۲۲٤/۱.

و در پاسخ حذيفه و عمار كه از پيامبر گرامي تقاضاي قتل تروريستها را كردند، حضرت فرمود: به صلاح نيست كه شايع كنند كه پيامبر اصحاب خود را به جرم تروريست بودن مي كشد. تفسير ابن كثير ج ۲ ص ۳۲۳.

ثانياً : پيامبر اسلام بعد از فتح مكه ، از وحشي قاتل حضرت حمزه ، انتقام نگرفت ، علي (ع) نيز از سنت پيامبر اسلام (ص) پيروي كرد .

۳ . چرا با قاتلان دختر رسول خدا ص میانه خوبی داشت ؟

حضرت علي (ع) نه تنها با قاتلان فاطمه (س) ميانه خوبي نداشت ؛ بلكه در صحيح بخاري آمده كه حضرت علي دوست نداشت چهره عمر را ببيند (كَرَاهِيَةً لِمَحْضَرِ عُمَرَ) . و همچنين ابوبكر را **استبدادگر** مي دانست (ولكنك استبددت علينا) . صحيح بخاري: ۸۲/۵ ، ح٤۲٤۰ .

٤ . چرا همواره از عمر تعریف و تمجید می‌کرد ؟

اولاً: آن چه كه به حضرت علي (ع) نسبت مي دهند كه در در خطبه ۲۲۸ نهج البلاغه از عمر تعريف كرده درست نيست و نامي از عمر در خطبه نيست ، بلكه صبحي صالح ، از علماي اهل سنت مي‌گويد مراد يكي از اصحاب حضرت علي (ع) است . نهج البلاغة ، صبحي صالح ، خطبه ۲۲۸ ، ص ۳۵۰ .

ثانياً: علي (ع) در خطبه سوم نهج البلاغه، عمر را مجموعه‌ای از خشونت، سختگیری، اشتباه و پوزش طلبی مي داند

و ميگويد: سوگند به خدا مردم در حكومت دومى، در ناراحتى و رنج مهمّى گرفتار آمده بودند، و دچار دو رويى‌ها و اعتراض‌ها شدند،و من در اين مدت طولانى محنت‌زا، و عذاب آور، چاره‌اى جز شكيبايى نداشتم.

ثالثاً : بنا به نقل صحيح مسلم نظر امام علي (ع) در باره ابوبكر و عمر اين بود كه آنان **دروغگو ، گناه‌كار ، حيله‌گر و خيانت‌كار** بودند .صحيح مسلم :۵ /۱۵۲ ، ح٤٤٦۸.

۵ . چرا حضرت علی حتی در ایام خلافت و حکومت خود هیچ‌گاه از شهادت همسر خود توسط عمر یادی نکرد ؟

اولاً: در خطبه ۲۰۳ نهج البلاغه آمده كه علي (ع) به هنگام دفن حضرت زهرا (س) فرمود: (أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ وَ أَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ) از اين پس اندوه من جاودانه، و شبهايم، شب زنده دارى است، تا آن روز كه نزد خدا بروم .

ثانياً: علي (ع) در دوران حكومتش نزد سليم بن قيس از شهادت حضرت زهرا ياد كرد و فرمود: فاطمه (س) از دنيا رفت در حالى كه اثر تازيانه در بازويش مانند بازوبند باقى مانده بود». كتاب سليم بن قيس ، ص٦٧٤ .

ثالثاً: ابن عباس مي‌گويد:علي (ع) در جنگ صفين از كتابى كه به املاي پيامبرو به خط خودش بود برايم خواند كه چگونه حضرت زهرا عليها السّلام شهيد مى‌شود . كتاب سليم بن قيس الهلالي ، ص۹۱۵ .

۶. چرا حضرت علی (ع) سه تن از فرزندان خویش را به نام‌های ابوبکر ، عمر ، عثمان نامگذاری کرد ؟

اولاً : اين نام‌ها آن زمان مرسوم بود، ابن حجر عسقلاني در الإصابة نام ۲۱ نفر از صحابه را مي‌آورد كه اسم آن‌ها عمر و ۲٦ نفر عثمان و سه نفر ابوبكر بوده .

ثانياً : نام برخي از اصحاب ائمه (ع) ، يزيد بن حاتم ، يزيد بن عبد الملك ، يزيد بن عمر بن طلحه و ... . آيا آن‌ها به خاطر علاقه به يزيد بن معاويه ، بود؟ .

ثالثاً : ابوبكركه كنيه يكي از فرزندان علي (ع) هست ، نام او محمد بوده. (التنبيه والاشراف ص ۲۹۷۲، الارشاد ج ۱ ص ۳۵٤).

وحضرت به خاطر علاقه خود به عثمان بن مظعون ، نام فرزندش را عثمان گذاشت. مقاتل الطالبيين ، ص ۵۵ و تقريب المعارف ، ص ۲۹٤.

و عمر بن الخطاب به دليل خشونت ذاتي كه داشته ، نام فرزند علي (ع) را همنام خود قرار داد «وكان عمر بن الخطاب سمّى عمر بن عليّ بإسمه ». تهذيب التهذيب ج ۷ ص ٤۲۷. هم چنين نام تعدادي از مسلمانان را نيز تغيير داد. اسدالغابة ج ۳ ص ۲۸٤، طبقات ج ٦ ص ۷٦ ، الاصابة ج ۵ ص٤۷۲.

رابعاً : اگر نامگذاري نشانه روابط خوب هست ، چرا خلفاء هيچ كدام از فرزندان خود را علي وحسن و حسين (ع) نامگذاري نكردند.

۷. راستی چرا حضرت علی دختر خود به نام ام کلثوم را از همان همسر شهیدش بدنیا آمده بود ، به نکاح قاتل همسر خود درآورد ؟

اولاً: وقتي علي (ع) از دادن دخترش به عمر مخالفت كرد، عمر به عباس عموی پیامبر گفت اگر علي به من دختر ندهد دو نفر را وادار مي كنم كه به دروغ شهادت دهند كه علي دزدي كرده و دستش را قطع مي كنم. كافي ، ج ٥ ، ص ٣٤٦ .

ثانیاً: هيثمي از علماي بزرگ اهل سنت نوشته اشت: در برابر اعتراض عقيل به اين ازدواج ، علي (ع) خطاب به عباس فرمود: (درة عمر أحرجته الي ماتري) خشونت عمر باعث اين كاری كه می بيني، گرديد. مجمع الزوائد ج ٤ ص ٢٧٢، معجم كبير ج ٣ص٤٥.. **ثالثاً:** علماي اهل سنت نوشته اند: عمر بن خطاب قبل از ازدواج با ام كلثوم ، ساق پايش را لمس مي‌كند و او را در بغل گرفت و بوسيد. الاصابه، ابن حجر: ٤٦٤/٨ و سير أعلام النبلاء، ذهبي:٥٠١/٣. تاريخ بغداد، الخطيب البغدادي، ج ٦، ص ١٨٠.

آيا درست است كه حاكم اسلامي كه بايد حافظ ناموس ملت باشد، خود با ناموس مردم اينچنين كند؟

سبط ابن جوزي از علماي اهل سنت مي گويد: وهذا قبيح والله، ثمّ بإجماع المسلمين لايجوز لمس الأجنبيّة فكيف ينسب عمر إلى هذا ؟ به خدا سوگند كه اين كاري از عمر نقل مي كنند، قبيح است دست زدن به دختر نامحرم حرام است ... تذكرة خواص الأمة : ٣٢١.

رابعاً: عمر بن خطاب مي گويد: من در امر نكاح تابع سنت‌هاي جاهلي هستم محمد بن سعد در طبقات الكبري مي‌نويسد : «قال عمر بن الخطاب ما بقي فيّ شئ من أمر الجاهلية إلا أنّي لست أبالي إلى أي الناس نُكحت وأيهم أنكحت » . طبقات كبرى ج ٣ ، ص ٢٨٩ . ما از ترجمه آن معذوريم ، برادران اهل سنت ترجمه دقيق آن را از مولوي‌هايشان سؤال كنند .

۸. چرا حضرت امام حسن و امام حسین (ع) مادام العمر از شهادت مادرشان توسط عمر یادی نکردند؟ در هیچ یک از منابع شیعه و سنی در این باره مطلبی وجود ندارد.

اولاً: امام حسن (ع) در مناظره‌اي كه با معاوية و دار ودسته وي داشت ، خطاب به مغيرة بن شعبة فرمود: « تو همان هستی كه فاطمه دخت گرامی رسول خدا (ص) را كتك زدی ؛ تا آنجا كه خون آلود شد و فرزندي كه در رحم داشت سقط كرد. احتجاج طبرسي ، ج١، ص ٢٧٨.

ثانیاً: امام حسين (ع) نقل مي كند كه امام علي (ع) در هنگام دفن فاطمه زهرا سلام الله عليها فرمود : بر اين مصيبت بزرگ همچون مادری كه فرزند از دست داده می‌ناليدم . يا رسول الله ! در محضر خداوند دخترت مخفيانه به خاك سپرده شد، حقّش را به زور گرفتند ، و آشكارا از ارث خود محروم گشت، و حال آن كه هنوز از رحلت تو ديری نپائيده و ياد تو فراموش نگشته است . الكافي ج ١ ص ٤٥٨ و الأمالي ، المفيد – ص ٢٨٢ .

ثالثاً: آيا در عصري كه عمر بن خطاب به بهانه جلوگيري از گريه بر ميت تازه گذشته ، شبانه و بدون اجازه وارد خانه مردم مي‌شود و زن‌ها را كتك زده و حجاب از سر آن‌ها بر مي‌دارد ، مي‌توان مجلس عزاداري برپا كرد؟ المصنف ، عبد الرزاق ج ٣ ، ص ٥٥٧ .

۹ . چرا مردم مدینه در قبال قتل دختر پیامبر ص سکوت کرده و هیچ اقدامی نکردند؟

اولاً: آيا عمل مردم مدينه ملاك حقانيت است يا عمل امير المؤمنين (ع) ؟پيامبر اكرم (ص) فقط در حق علي فرموده :(علي مع الحق والحق مع علي) علي با حق و حق با علي است . تاريخ بغداد:٣٢٢/١٤ ومجمع الزوائد :٢٣٧/٧.

ثانیاً: مگر مردم مدينه نبودند كه در برابر كشتن عثمان و **تعرض به همسر او** عكس العملي از خود نشان ندادند و اجازه ندادند جنازه او را در قبرستان مسلمانان دفن كنند و مجبور شدند او را در قبرستان يهود دفن كنند تا معاويه در زمان حكومتش قبرستان يهود را به قبرستان بقيع متصل ساخت.

۱۰. چرا شما تا چند سال پیش از جریان شهادت بی خبر و فراموش بودید و الآن بیادتان آمد؟ تقویم‌های پیش ۱۳۷۲ .

اولاً : جويني از علماي اهل سنت و استاد مورد تأييد ذهبي از رسول اكرم (ص) قضيه غصب حق فاطمه زهرا و شكستن پهلوي آن حضرت وسقط محسن او و شهيد نمودن آن بزرگوار را نقل مي كند. فرائد السمطين ج٢ ، ص ٣٤ و ٣٥ .

ثانیاً : حضرت علي (ع) به هنگام دفن فاطمه (س) فرمود: (وَ سَتُنَبِّئُكَ ابْنَتُكَ بِتَظَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا) به زودی دخترت تو را آگاه خواهد ساخت كه امّت تو چگونه در ستمكاری بر او اجتماع كردند، از فاطمه عليها السّلام بپرس، و احوال اندوهناك ما را از او خبر گير، كه هنوز روزگاری سپری نشده، و ياد تو فراموش نگشته است. نهج البلاغه خطبه ٢٠٢. **ثالثاً:** در بند ٨ سخن امام حسن و حسين (ع) در باره شهادت حضرت زهرا نقل شد.

رابعاً: كليني از امام كاظم (ع) نقل مي كند كه فرمود: إِنَّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) صِدِّيقَةٌ شَهِيدَةٌ ... فاطمه صديقه و شهيده بود. كافي ج١، ص ٤٥٨ .

خامساً: در طول تاريخ همه ساله ايام فاطميه، شيعيان به مناسبت شهادت حضرت زهرا مراسم عزاداري اقامه مي كردند و بعد از انقلاب هم اين مراسم در بيوت مراجع عظام و رهبري اقامه مي شود. **سادساً:** امام خميني (ره) روز ١٨ اسفند ١٣٦٠ (١٣ جمادی الاول ١٤٠٢.) فرمودند: من هم وفات و شهادت بانوی بزرگ اسلام را بر همه مسلمين و بر شما برادران عزيز ارتشی، سپاهی و بسيج و بر حضرت بقية اللّه– ارواحنافداء– تسليت عرض می‌كنم.صحيفه امام/ ٨٧/١٦.

سابعاً: شهرستاني ، از علماي اهل سنت مي‌نويسد : « عمر در روز بيعت به شكم فاطمه (عليها السلام) ضربه زد كه منجر به سقط شدن نوزاد وي از شكمش شد . عمر ، فرياد مي زد اين خانه را با هر كه در آن است به آتش بكشيد ؛ و در خانه به جز علي و فاطمه و حسن و حسين كسي نبود » . الملل والنحل ، شهرستاني ، ص ٨٣ .

سابعاً: ابن تيميه حراني ، قضيه هجوم به خانه فاطمه را قبول مي‌كند ولي با توجه به عنادي كه دارد به فكر توجيه آن در مي آيد. منهاج السنةج ٤ ص ٢٢٠ .